

(۳)

نقدی بر مقاله گفتگوی تازه درباره تاریخ قدیم و جدید

نوشته استاد سید محمد محیط طباطبائی

(صفحات ۳۴۳ و ۴۲۶ شماره پنجم و ششم سال سوم)

چون تأکید شده است که باب بحث و انتقاد راجع بمقالات استاد سید محمد محیط طباطبائی درباره تاریخ بایبه در ماهنامه تحقیقی گوهر باز است از آنرو در جواب قسمتی از مقاله اخیر ایشان که زیر عنوان «گفتگوی تازه درباره تاریخ قدیم و جدید» نوشته اند این مختصر را برای روشن شدن ذهن خوانندگان تقدیم می نماید:

نوشته اند که وقتی باب در تبریز کشته شد، شیخعلی خراسانی ملقب به عظیم مقام رهبری بایبان را یافت و در فتنه سید کورهندی معروف به بصیر که دودستگی بین بایبه پدید آمد بصیر از دایره بیرون افتاد و کار ریاست کلی بر عظیم قرار گرفت و پس از آنکه عظیم در واقعه سال ۱۲۶۸ قمری با عده ای از سران بایبه بقتل رسید فرزندان موقع شناس میرزا بزرگ نوری (ازل و بهاء) که از غائله مزبور جان بدر برده و در بغداد بسر میبردند مجال آنرا یافتند که بایبان وحشت زده را گرد خود جمع کرده و دست سایر مدعیان را بتدریج کوتاه کنند و مدت ۶۵ سال بر این جمع ریاست مشترک داشته باشند.

مطالب فوق با آنچه واقع شده و با اسناد و مدارکی که از آن روزگار بجا مانده است وفق نمی دهد. زیرا درست است که عظیم از رؤسا و سران بایبه و بسیار مورد توجه باب بوده است ولی اینکه استاد تصور کرده اند پس از قتل عظیم برادران نوری توانسته اند بر بایبه ریاست کنند صحیح نیست زیرا بنا بر روایت نقطه الکاف که قدیمترین تاریخ معتبر این وقایع

* آقای احمد خزان

است، باب در او آخر حیاتش **میرزا یحیی نوری ملقب بصبح ازل** را بوصایت خود برگزید و نوشته‌ها و لباس و خاتم و قلمدان خود را برای اوفرستاد و بوی دستور داد که هشت واحد بیان را که ناتمام مانده بنویسد^۱ و نیز **کنت دو گبینو** که بناصله کمی پس از قتل باب وزیر مختار فرانسه در تهران بوده است در کتاب خود بنام مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی تصریح کرده است که باب، ازل را بجاننشینی خود برگزید و عموم بابیه او را باین سمت شناختند^۲ کتب و رسائل فضلا و قدماى اصحاب باب مانند **آخوند ملا رجعلی قهیسر** و برادرش **سراج اصفهانی** و **متولی باشی قمی** و **آخوند ملا محمد جعفر کرمانی** و غیرهم همه بر این معنی دلالت دارد و مهمترین مدارک مزبور، خطوط دست باب در تنصیص بوصایت ازل است که بعضی از آنها در کتاب «تسمتی از الواح خط **نقطه اولی** و **آقاسید حسین کاتب**» گراور و منتشر شده است.

درباره فتنه اعمای هندی و مشاجره عظیم با او نیز بنا بر آنچه در **نقطه الکاف** مندرج است (صفحه ۲۶۰) پس از بالا گرفتن فتنه بصیر سرانجام اصحاب شرحی به صبح ازل در شکایت از او نوشته اند و ازل توقیعی در این باب صادر کرده است که این خود میرساند کسی جز او مرجع بابیه و مصدر امر نبوده است.

بعد از تیر اندازی بابیه به **ناصرالدین شاه** و گرفتاری و کشته شدن عده زیادی از مشاهیر این طایفه بهاء بزنندگان افتاد و ازل که مأموران حکومت سخت در تعقیب او بودند توانست با لباس درویشی خود را به بغداد برساند و در این شهر رحل اقامت افکند و بهاء هم پس از رهائی از زندان به بغداد رفته و با او پیوست و بابیه بتدریج از اطراف راهی بغداد و بآنها ملحق شدند و ازل بهاء را واسطه بین خود و پیروانش قرار داد و این وضع تا پایان اقامت آنان در بغداد و اقامت کوتاه ایشان در استانبول ادامه داشت تا اینکه بهاء در اوایل ورود بابیه به ادرنه دعوی ظهور جدید کرد و این امر موجب انشعاب بابیان به ازلی و بهائی گردید.^۳ این است آنچه بر بابیه از قتل باب تا انشعاب آنان گذشته و مطابق با اسناد و مدارک یاد شده و مشاهدات ناظران این حوادث است که برای ضبط در تاریخ ثبت کرده و از خود به یادگار گذاشته اند.

(۱) رجوع شود بنقطه الکاف صفحه ۲۴۴

(۲) رجوع شود به ترجمه فارسی کتاب مزبور صفحه ۲۳۴

(۳) رجوع شود بمقدمه پرفسور برور، و علامه قزوینی بر نقطه الکاف